فیلم‌های سینماگران ایرانی در جشنواره روتردام هلند

جشنواره‌ها از مسیرهای مهم ورود برای همکاری‌ها و تعاملات سازنده بین‌المللی هستند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به جشنواره روتردام هلند اشاره کرد. آن‌طور که ایسنا خبر داده، به‌تازگی فهرست فیلم‌های چهل و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم روتردام در کشور هلند با حضور سه فیلم از سینماگران ایرانی اعلام شده است.

ظاهرا در این رویداد سینمایی که تاریخ ۲۲ ژانویه تا ۲ فوریه (۲ تا ۱۳ بهمن) در کشور هلند برگزار می‌شود فیلم «متری شیش و نیم» به کارگردانی سعید روستایی در بخش صداها (Voices) و دو فیلم «فیلم فارسی» ساخته احسان خوش‌بخت و «زنان بر اساس مردان» از سعید نوری در بخش دیپ فوکس (Deep Focus) به نمایش گذاشته می‌شوند. متری شیش و نیم، اولین نمایش بین‌المللی خود را در بخش افق‌های هفتاد و ششمین جشنواره فیلم ونیز تجربه کرد و ظاهرا قرار است فهرست کامل فیلم‌های چهل‌ونهمین جشنواره فیلم روتردام هلند روز ۱۵ ژانویه (۲۵ دی) اعلام شود.

درباره ۲ مستند «با صبر زندگی» و «گلوله باران»

مقاومت سینمایی

علی رستگار
سینما

مدیوم‌های مختلف نمایشی، نقش مهم و انکارناپذیری در انتقال واقعیت‌های موجود در قالبی هنرمندانه و تاثیرگذار دارند. در این میان مسؤولیت سینمای مستند شاید خطیرتر از باقی مدیوم‌ها و رسانه‌ها باشد، چراکه هم رسالت بیان واقعیت را بدون آراسته‌های دروغین به عهده دارند و هم این واقعگرایی و حقیقت‌گویی، باید به زبان هنر باشد و نسبتی جذاب و استاندارد با ساحت سینما هم داشته باشد. در مستندهایی که با موضوع مدافعان حرم ساخته می‌شود، توازن و برقراری تعادل میان این دشواری‌ها بیشتر هم می‌شود و فیلمسازان با چالش‌های مهمی در روایت روبه‌رو هستند. التهاب و حساسیت موضوع، کارگردان‌های جسور و کاربلدی را می‌طلبد که شهامت و توان طرح واقعیت‌های موجود در این زمینه را داشته باشند. گاهی همه غیرت و تلاش فیلمسازان در این حوزه، صرفا به ارزشمندی اقدام و فیلم ساختن درباره این موضوع استراتژیك و اعتقادی محدود و منحصر می‌شود و خروجی و دستاورد مناسب هنری و ماندگاری ندارد، اما در آن دسته از فیلم‌هایی که فیلمسازان به درستی با سوژه روبه‌رو می‌شوند و توانایی بیان هنرمندانه و تاثیرگذار آن را دارند، اتفاقات خوبی افتاده است. همانند دو فیلم مهم «با صبر زندگی» به کارگردانی وحید فراهانی و به تهیه‌کنندگی سیدهاشم موسوی و «گلوله باران» به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس و حسین مومن و به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی که با تحسین مخاطبان مواجه شده‌اند. وجه اشتراك این دو فیلم، روایت قصه‌هایی تلخ و واقعی در سوریه است؛ سرزمینی که در سال‌های اخیر به محلی برای آزمون جدی زینبی‌ها و حسینی‌ها تبدیل شد و انگار هر اتفاق تلخ امروزی در آن، فلاش‌بکی است به گذشته.

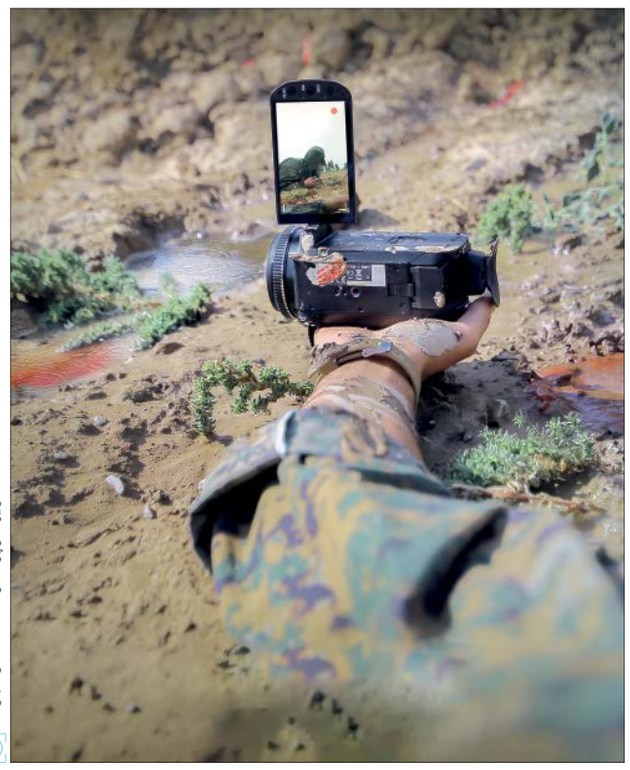

تصویری از پوستر مستند «گلوله باران»

گفت‌وگو با وحید فراهانی، کارگردان «با صبر زندگی»

یك قصه کربلایی

«با صبر زندگی» به قافله سالار اسیران کربلا حضرت زینب کبری (س) پیشکش شده است، اما فیلم صرفا به همین هدیه کلامی بسنده نمی‌کند و در فرم و محتوا هم روی امید و صبر و برخی ویژگی‌های دیگر حضرت زینب همچون همراهی با اسرا و به ویژه بچه‌ها تاکید می‌کند و این خصوصیات را در فضایی امروزی بازتاب می‌دهد.

در آثار دیگری که ساختم هم در هر کاری به یکی از ائمه متوسل شدم. در این کار هم باتوجه به موضوع فیلم و آزادی اسرا به حضرت زینب متوسل شدیم و با حضور در حرم مطهر ایشان برای ساخت این فیلم از این حضرت مدد گرفتیم. از قبل می‌دانستیم که قصه، قصه اسرا و خانواده‌ها و بچه‌هایی است که قرار است آزاد شوند. بعد از این‌که آن انفجار در فیلم اتفاق افتاد و قصه ما به نوعی کربلایی و عاشورایی شد، ارجاع روایت به قصه کربلا و حضرت زینب پررنگ‌تر شد و بیشتر سراغ مادران، همسران و... رفتیم که داغدار شده بودند.

برخی تصاویر را در فیلم می‌بینیم که توسط خود داعشی‌ها و گروه‌های تکفیری ضبط شده بود. این تصاویر را چطور به دست آوردید؟ در فضای مجازی منتشر شده بود؟

بله، این تصاویر در فضای مجازی موجود بود و در شبکه‌های اجتماعی گروه‌های تکفیری منتشر شده بود. یکی از بحث‌ها این است که آنها در فضای رسانه‌ای در بازتاب وقایع - البته به نفع خودشان- خیلی قوی‌تر از ما عمل کردند. آنها در ابتدا وانمود می‌کردند که دارند کار حقوق بشری انجام می‌دهند و می‌خواستند کار تبادل اسرا را رسانه‌ای کنند. اما در ادامه به خاطر اختلافاتی که در خود گروه‌های مسلح تکفیری پیش آمد و آن انفجاری که رخ داد، منجر به این شد که ما بتوانیم از این فیلم‌ها استفاده کنیم.

انتظاری که در فیلم برای مبادله اسرای شهرك‌های فوعه و کفریا و داعشی‌ها می‌شود، تعلیق نفسگیری دارد. بعد هم آن خبر انفجار و بی‌خبری نیروهای مقاومت به این تعلیق و هیجان و التهاب اضافه می‌کند. گروه فیلمسازی از کی آنجا حضور داشت؟ احتمالا که این انفجار پیش‌بینی نشده بود و به نوعی مسیر روایت شما را هم تغییر داد.

ما سه هفته در محل گذرگاه مبادله اسرا در انتظار بودیم. همانجا در تمام مدت کنار آن خانواده‌هایی که چشم انتظار بودند، ایستاده بودیم. به جز ما برخی رسانه‌ها و خبرنگاران اروپایی هم آنجا حضور داشتند. بعد از این‌که داشت این انتظارها به سر می‌رسید و این انفجار انتحاری اتفاق افتاد، این درام در ذهنم شکل گرفت که دنبال خانواده‌ها بروم و قصه این بچه‌ها را روایت کنم.

بنابراین خطرات زیادی برای گروه فیلمسازی شما وجود داشت.

بله، آن گذرگاه تقریبا یك منطقه جنگی بود که به واسطه هلال احمر داشت تبادلی آنجا انجام می‌شد.

فیلم با بچه‌ها شروع می‌شود همراه آوای کودکانه‌ای که در تیتراژ پایانی هم ترجمه‌اش را روی تصاویر می‌بینیم. به جز این توجه در آغاز، در پایان هم فیلم با بازی بچه‌ها تمام می‌شود و نشان می‌دهد با وجود همه سیاهی‌ها و انبوه اتفاقات تلخ در دوران محاصره و در مرحله تبادل اسرا، به نظر می‌آید تاکید شما روی بچه‌ها به عنوان قربانیان اصلی چنین فجایعی است.

محور اصلی فیلم ما بچه‌ها بودند و برای همین در طول فیلم روی بچه‌ها تاکید داشتم. نکته دیگر این‌که ۱۲۰ کودك در این انفجار شهید شدند. با صبر زندگی، به نوعی ادای دین به این بچه‌هاست.

احیانا اطلاعی از وضعیت آن بچه‌ها و خانواده‌های آزادشده دارید؟

بعد از ساخت فیلم، سفرهای دیگری هم به سوریه و به آن مناطق داشتیم. بچه‌ها و خانواده‌ها در محل‌هایی که باید اسکان داده شده بودند و شرایط مناسبی برای آنها فراهم شده بود. حتی برخی از آنها فیلم ما را هم دیده بودند. اهالی فوعه و کفریا چند کانال تلگرامی هم داشتند که هم فیلم را آنجا به اشتراك می‌گذاشتند و هم نظراتشان را درباره این فیلم مطرح می‌کردند. یکی از مادرانی که در فیلم و در اتوبوس با او مصاحبه کرده بودیم، بعدها یکی از عروسك‌های بچه‌هایش را برای ما هدیه فرستاده بود که در جشنواره فیلم عمار به دست ما رسید.

بحث حضور برخی رسانه‌ها و خبرنگاران خارجی هم در فیلم مطرح می‌شود. به ویژه آن خبرنگار هلندی که اشاره به بایکوت رسانه‌ای در کشور خودش و دیگر کشورهای اروپایی در زمینه فجایع داعش می‌کند. چقدر حضور آنها موثر بود و واقعا منجر به اطلاع رسانی حقیقت شد؟

وقتی همان موقع خبر انفجار را در یوتیوب و فضای رسانه‌ای و مجازی رصد کردم، دیدم دو سه نفر از همین خبرنگارانی که آنجا حضور داشتند، کار خبررسانی را انجام داده بودند، اما در کل همچنان آن بایکوت رسانه‌ای در اروپا وجود دارد و چندان مجال اطلاع رسانی درست در این زمینه نیست. به ویژه آنها فجایعی که علیه شیعیان انجام می‌شود را چندان پوشش رسانه‌ای نمی‌دهند. متاسفانه رسانه‌های ایرانی هم حضور قوی و مناسبی در آن فضا نداشتند و به جز واحد مرکزی خبر، تنها گروه مستندساز ایرانی آنجا ما بودیم.

فراهانی:
در هر کاری که ساختم به یکی از ائمه متوسل شدم. در این کار هم باتوجه به موضوع فیلم و آزادی اسرا به حضرت زینب(س) متوسل شدیم

گفت‌وگو با مرتضی شعبانی، تهیه‌کننده «گلوله باران»

جایی برای پیرمردها هست!

گلوله باران، ضرباهنگ و پویایی مهیج و پرتعلیقی دارد و مخاطب را مستقیم وارد میدان جنگ می‌کند. چقدر این میزان از خطرپذیری لازمه شکل‌گیری یك اثر استاندارد و جذاب است؟

هر کاری که در فضای بحران انجام شود، با خطر همراه است و ریسك بالایی دارد. وقتی شما به منطقه‌ای سیل زده می‌روید، طبیعتا با بحران و کمبود امکانات و... مواجه هستید و هر لحظه ممکن است آن منطقه دچار سیل و آبگرفتگی شود. در زلزله هم این نگرانی‌ها وجود دارد. رفتن به مناطق جنگی هم خطرات فراوان خودش را دارد و باید احتمال مواجهه با هر خطری را داشته باشید، از جمله مصدومیت، مجروحیت و حتی شهادت. فیلمبرداری که وارد آن فضاها می‌شود حتما انتخاب می‌کند و خطر این کار را به جان می‌خرد.

خودتان هم در جوانی و در دوران ساخت روایت فتح و دیگر مستندهای جنگی چنین فضاهای پرخطری را تجربه کرده‌اید. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر تاریخ مقاومت با چهره‌ای جدید تکرار می‌شود و جوان‌ترهای دیگری راه شما را در ثبت جریان مقاومت ادامه می‌دهند.

بله، هم زمان دوران دفاع مقدس چنین لحظاتی را تجربه کردیم و هم در جنگ با داعش در سال‌های اخیر. اگر مستند مثلث مرگ (به تهیه‌کنندگی و کارگردانی خود شعبانی) را دیده باشید، صحنه‌هایی مشابه گلوله باران می‌بینید که خمپاره‌های مختلف به فاصله‌های نزدیك گروه فیلمبرداری اصابت می‌کند. اما حالا دیگر پیرمرد شده‌ایم. (می‌خندد)

مرتضی پایه‌شناس و حسین مومن، این فیلم را به‌طور مشترك کارگردانی کرده‌اند. تقسیم کار در این کارگردانی مشترك به چه صورت است؟

ما این شیوه را در دوران جنگ و در همان مستندهای روایت فتح تجربه کرده بودیم. کارگردانی آن مستندها صرفا مربوط به حضور میدانی نبود و برخی کارگردانی‌ها هنگام روایت و پای میز تدوین رخ می‌داد. در گلوله باران هم به این شیوه پیش رفتیم و بخشی از کارگردانی و معماری کار، هنگام تدوین معنا پیدا کرد.

شعبانی:
رفتن به مناطق جنگی خطرات فراوان خودش را دارد و باید احتمال مواجهه با هر خطری را داشته باشید، از جمله مصدومیت، مجروحیت و حتی شهادت

روایت راسخ ماندن

با صبر زندگی فیلم مستندی است که به ماجرای تبادل اسرای شهرك‌های فوعه و کفریا در سوریه و اسرای داعشی می‌پردازد. اما گروه‌های تکفیری حتی در همین زمان موردتوافق هم اصول انسانی را زیرپا می‌گذارند و با انفجاری انتحاری، باعث شهادت افراد زیادی از جمله کودکانی می‌شود که پس از چند روز گرسنگی و به شوق خوردن چیپس جایی تجمع کرده بودند. فیلم با روایتی زینبی، سراغ مصائب بچه‌ها و خانواده‌هایشان می‌رود و داستان غمبار اما امیدوارانه و صبورانه آنها در عبور از رنج‌ها را برای ما به تصویر می‌کشد. امیررضا مافی، راوی و گوینده گفتار متن در جایی از فیلم روایت می‌کند و می‌گوید: «فوعه و کفریا روایت با صبر زندگی کردن است، روایت امیدوار بودن و راسخ ماندن.»

تابلوی افتخارات

همین نفس قدم گذاشتن در این راه و فیلم ساختن در شرایطی دشوار درباره مدافعان حرم و مقاومت مردم سوریه در برابر گروه‌های تکفیری و داعشی و شایسته تحسین و تمجید است. اما چون سازندگان فیلم‌های با صبر زندگی و گلوله باران، در ساخت فیلم و مستندسازی هم مهارت دارند و موفق به ساخت فیلم‌های خوبی شدند، جوایز و تحسین‌های دیگری هم دریافت کردند. با صبر زندگی در پانزدهمین جشنواره مقاومت، بهترین فیلم شد و در هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار هم جوایز بهترین فیلم و جایزه مردمی را به دست آورد. فیلم گلوله باران هم در جشنواره اخیر سینما حقیقت، جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین تدوین را دریافت کرد و مرتضی شعبانی تهیه‌کننده فیلم هم آن را به همه مستندسازان شهید مانند شهید هادی باغبانی تقدیم کرد.

نجات‌دهندگان حرم

نجات سربازرایان را که حتما خاطرتان هست؛ به‌ویژه داریم از آن نیم ساعت خیره‌کننده و نفسگیر اول فیلم حرف می‌زنیم که کاپیتان جان اچ میلر و نیروهایش در ساحل نرماندی پیاده می‌شوند و از هر طرف مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار می‌گیرند. دوربین یانوش کامینسکی، چنان مخاطب را وارد فیلم می‌کند که گویی او هم جزیی از جهان رعب‌آور قصه است. همه اینها را گفتیم که خودمان در سینمای ایران هم فیلمی داریم که رسما برای فیلم اسپیلبرگ خط و نشان می‌کشد، فیلمی مستند به نام گلوله باران که حرکت چند نفر از نیروهای مدافع حرم را در خط مقدم نبرد با داعش را به تصویر می‌کشد. دو فیلمبردار فیلم حسین مومن و سعید منفرد جسورانه همراه این نیروها می‌شوند و با دوربین به دل دشمن می‌زنند و مورد اصابت گلوله‌های تکفیری‌ها قرار می‌گیرند.

راش

رقابت ۱۰ فیلمساز فیلم‌اولی در جشنواره فیلم فجر

حدودا یك ماه دیگر به برگزاری مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور باقی مانده و سر سینمایی‌ها حسابی شلوغ است. از این رو هیأت انتخاب سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر فهرست فیلم‌های راه‌یافته به بخش «نگاه نو» این رویداد را منتشر کرده.

به گزارش جام‌جم، پس از پایان جمع‌بندی آرای هیأت انتخاب بخش فیلم‌های سینمایی سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر متشکل از: محمد احسانی، محمود اربابی، همایون اسعدیان، یلدا جبلی، رضا درستکار، سید محمود رضوی و حسین کرمی، اسامی فیلم‌های بخش نگاه نو (ویژه فیلم اول کارگردانان) به شرح زیر اعلام شد:

۱ ـ آن شب (کارگردان: کورش آهاری، تهیه‌کننده: محمد درمنش)
۲ ـ بی‌صدا حلزون (کارگردان: بهرنگ دزفولی‌زاده، تهیه‌کننده: مرتضی شایسته)
۳.پدران (کارگردان: سالم صلواتی، تهیه‌کننده: شهرام مسلخی)
۴.پوست (کارگردان: بهمن ارك و بهرام ارك، تهیه‌کننده: محمدرضا مصباح)
۵ ـ دشمنان (کارگردان: علی درخشنده، تهیه‌کننده: مجید برزگر)
۶ ـ روز صفر (کارگردان: سعید ملکان، تهیه‌کننده: سعید ملکان)
۷ ـ ریست (کارگردان: محمدرضا لطفی، تهیه‌کننده: سیدامیر سیدزاده)
۸ ـ شنای پروانه (کارگردان: محمد کارت، تهیه‌کننده: رسول صدرعاملی)
۹ ـ کشتارگاه (کارگردان: عباس امینی، تهیه‌کننده: جواد نوروزبیگی)
۱۰ ـ لباس شخصی (امیرعباس ربیعی، تهیه‌کننده: حبیب والی‌نژاد)

این ده فیلم، نخستین تجربه فیلمسازان هستند که پروانه ساخت سینمایی خود را از سازمان سینمایی کسب کرده‌اند.

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه امسال همزمان با گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده برگزار می‌شود.

پایان تدوین فیلم «آبادان یازده ۶۰»

تدوین فیلم سینمایی «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشبخت به پایان رسید.

این خبر را هنرآنلاین منتشر کرده و ادامه داده، فیلم سینمایی آبادان یازده ۶۰ به کارگردانی مهرداد خوشبخت و تهیه‌کنندگی حسن کلامی، تازه‌ترین محصول مرکز فیلم و سریال سازمان اوج اثری متفاوت در حوزه دفاع مقدس است که به شروع جنگ ایران و عراق می‌پردازد.

این فیلم پس از دو ماه تصویربرداری و پایان تدوین به دبیرخانه فجر تحویل داده شد و تدوین آن به‌صورت همزمان با فیلمبرداری پیش رفته و قرار است اولین نمایش آن در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر باشد.

علیرضا کمالی، حسن معجونی، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی و نادر سلیمانی در این فیلم سینمایی ایفای نقش می‌کنند و در خلاصه داستان آن آمده است: مردم غیور آبادان... شهر در آستانه سقوط قرار گرفته است!

عوامل پشت صحنه این فیلم سینمایی عبارت است از: نویسنده و کارگردان: مهرداد خوشبخت، تهیه‌کننده: حسن کلامی، بازیگران: علیرضا کمالی، حسن معجونی، شبنم گودرزی، حمیدرضا محمدی، نادر سلیمانی، ویدا جوان، یاسین مسعودی، رضا مسعودی، افشین طایی و وحید کرمانی، مدیر فیلمبرداری: مهدی جعفری، مدیر هنری: عبدالحمید قدیریان، مدیر تولید: رحمت عبدا... زاده، مدیر صدابرداری: جهانگیر میرشکاری، چهره‌پرداز: محمود دهقانی، مدیر برنامه‌ریزی و سرپرست گروه کارگردانی: امیرشهاب اسماعیلی، طراح صحنه: جعفر محمد شاهی، طراح لباس: زهرا صمدی، تدوین: سهراب خسروی، جلوه‌های ویژه بصری: جواد مطوری، جلوه‌های ویژه میدانی: محسن روزبهانی، آهنگساز: بهزاد عبدی، منشی صحنه: ساناز فراهانی، عکاس: علی نیك‌رفتار، فیلمبردار پشت صحنه: رضا رشیدی‌فر، مدیر تدارکات: حسن حیدرزاده و مشاور رسانه‌ای: مهرداد معظمی.